معیارهای انتخاب کارگزاران در سیره سیاسی امام علی (علیه السلام)

پدید آورنده : محمد احسانی ، صفحه 56

مقدمه

در هر جامعه ای برای انتخاب بسیاری از مسؤلان بلند پایه، مانند رئیس جمهور و اعضای پارلمان شروطی را در نظر می گیرند که در صورت داشتن آن شروط برای این مقامها مناسب تشخیص داده می شوند. طبیعی است که رهنمودهای بزرگان دین و سیاست مداران با تجربه در این زمینه بسیار رهگشا خواهد بود.

بر این اساس، بهره گیری از دستور العملهای رهبران دین، برای انتخاب افراد کاردان و شایسته ضروری می نماید. یکی از شخصیتهای مؤثر و روشنگر در تبیین معیارهای انتخاب کارگزاران حکومتی، امام علی (علیه السلام) است که باید در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی از سیره ایشان بهره جست. این نوشتار سعی دارد تا معیارهای انتخاب کارگزاران حکومتی را از لابه لای خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه آن حضرت استخراج و در اختیار علاقه مندان به سیره سیاسی ایشان قرار دهد.

مفهوم شناسی سیره

اهل لغت معانی متعددی برای سیره نقل کرده اند؛ از قبیل روش، طریقه، سنّت، سبک و نحوه انجام دادن کار، حرکت در روز و حرکت در شب و نیز به معنای حرکت کردن و راه رفتن گرفته و آن را بر وزن فعله مثل فطره دلالت بر نوع عمل می دانند.

معیارهای انتخاب کارگزاران

آنچه از متون مختلف دینی بر می آید این است که سیره بخشی از سنت است؛ یعنی سنت به دو بخش فعلی (رفتاری) و قولی (گفتاری) تقسیم می شود و به سنت رفتاری، اصطلاحا سیره نیز گفته می شود.

آنچه در سیره سیاسی علی (علیه السلام) مسلّم است این که در اندیشه سیاسی آن حضرت، دانش و تقوا و تلفیق این دو در عمل، از شروط لازم برای مدیریت و زمام داری است؛ چرا که مدیر و حاکم ناآگاه و بی تقوا جامعه را به گمراهی و فساد می کشاند. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«حکومت و اداره جامعه بر اساس تقوا و پرهیزگاری نه به کسی آسیب می رساند و نه کشتزار قومی را از بین می برد».

1- دین مداری

مهم ترین عامل تعیّن رفتار آدمی در کلام امام علی (علیه السلام)، تدیّن و ایمان به محتوای دینی است. دین و برنامه های عملی آن از جهات گوناگون بر شکل گیری شخصیت، افکار و رفتار انسان تأثیر می گذارد؛ به گونه ای که فرد تمامی برنامه های زندگی اش را از دین و الگوهای دینی فرا می گیرد؛ همان گونه که بینش دینی رفتار فردی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می دهد، گرایشهای سیاسی - اجتماعی را نیز هدایت می نماید. اگر دین حق باشد و از قواعد فطری و الهی تبعیت نماید، بر خط مشی انسان تأثیر مثبت خواهد گذاشت، وگرنه تأثیرات منفی از خود بر جای می گذارد.

دین عامل بسیار مهم مهار قدرت و جلوگیری از فساد سیاسی - اجتماعی است. در بیانات و فرمانهای حضرت علی (علیه السلام)، بر رعایت احکام و دستورات خداوند و پیروی از دین مقدس اسلام مکرر تأکید شده است. آن حضرت در خطبه 189 نهج البلاغه، ضمن ارائه توصیف جامع از دین اسلام، همگان را به پیروی از آن دعوت کرده است:

«پس آن (دین اسلام) را محترم و بزرگ داشته، از آن پیروی نمایید و حق آن را ادا کنید».

این از آن روست که عمل به احکام اسلام موجب سعادت دنیا و آخرت انسان است. اگر زمامدار و رئیس کشور، مؤمن و متدیّن به آیین اسلام باشد، ایمان و تدیّن او مانع استبدادش می گردد. اسلام بر تربیت اخلاقی، تقوا و خودسازی زمامداران و مدیران جامعه تأکید بسیار دارد؛ چون ابزارهای قدرت و فرمان روایی بیش تر در اختیار حاکمان قرار دارد و از این رو، نیاز آنها به تربیت اخلاقی و سیاسی نیز افزون تر است.

به نظر امام علی (علیه السلام) دین تضمین کننده منافع دنیا و آخرت انسان است؛ به ویژه صاحبان زور و قدرت و ریاست که در صورت تبعیت صددرصد از هواهای نفسانی، دین و دنیای خود را از دست خواهند داد.

2- خدا محوری

یاد خدا و توجه به او نیرویی است که همواره انسان را در لغزشگاهها و خطرات حفظ می کند. حضرت علی (علیه السلام) بدین دلیل، در دستور العمل خود به مالک اشتر فرمان می دهد:

«خداوند سبحان را با قلب و دست و زبان یاری نما؛ زیرا خدای بزرگ یاری و عزّت کسی را که یاری اش کند و عزیزش بدارد تضمین کرده است».

خدا محوری آثار متعددی همچون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الی اللّه دارد که هر یک به لحاظ تربیتی بسیار مهم است؛ زیرا هدف عالی در تربیت اسلامی رسیدن به مقام قرب الهی می باشد. علاوه بر این، اگر مدیران و سیاست گذاران جامعه بر اساس خداباوری و حق مداری حرکت کنند و در راه خدا قدم بردارند، خداوند محبت آنها را در دل مردم جای می دهد. علی (علیه السلام) نیز به این امر اشاره دارد:

«هر که آنچه را بین او و بین خداست اصلاح کند، خداوند آنچه را بین او و بین مردم است به صلاح می آورد.»

بدین روی، سیاستمداران نظام اسلامی باید به گونه ای تربیت شوند که ویژگی خداباوری در قلب و روح آنان رسوخ کند تا تمام کارهایشان جهتی الهی به خود بگیرد.

3- حق مداری

حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه، به مالک اشتر برای انتخاب همکاران نزدیکش چنین دستور داده است:

«افراد حق گو را به خود نزدیک کن، از میان خواص خود کسی را به خود نزدیک تر کن که در حق گویی - گر چه گفتار حق تلخ است - صراحت لهجه داشته باشد.»

همچنین آن حضرت درباره حق والی و رعیت می فرماید:

«هرگاه رعیت حق والی و والی حق رعیت را ادا کند، حق در بین آنها عزیز و قواعد دین استوار و روزگار اصلاح می شود».

بنابراین، یکی از صفات برازنده زمامدار، حق گویی و حق مداری است که طبق کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، «حق را باید گفت، هر چند در ذائقه بعضی تلخ آید»

4- تقوای الهی

تقوا نیرویی است که انسان را از همه آفات درونی و بیرونی نگه می دارد و او را در برابر لغزشها محکم و استوار می سازد. تقوا در همه شئون زندگی، به ویژه مسائل سیاسی و اداری جامعه، بسیار کارساز است؛ زیرا ملکه تقوا در روح انسان نیرویی پدید می آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی در مقابل گناه می بخشد.

از این رو حضرت علی (علیه السلام) بیش از همه، زمامداران حکومتی را به رعایت تقوا دستور می داد؛ چنان که مالک را به پرهیزگاری و انجام فرایضی الهی سفارش کرده است و دیگر کارگزاران را نیز به این مهم توصیه می نمود تا در آشکار و نهان از خدا بترسند و نافرمانی او را مرتکب نشوند.

5- عدالت خواهی

عدالت خواهی از شاخصه های بارز انتخاب سیاسی در سیره و گفتار امام علی (علیه السلام) است. سراسر زندگی آن حضرت نشان دهنده اعتدال و اجرای عدالت در جامعه است. ظلم ستیزی ایشان و مبارزه با ستم و بیدادگری، چه در دوران حکومت و چه پیش از آن، از ویژگیهای زندگی آن حضرت است؛ چنان که دوست و دشمن بدان معترفند. حضرت علی (علیه السلام) در دستورالعملهای سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت در بین مردم تأکید می کرد؛ همان گونه که فرازهایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است:

[مالک!]، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکانت و هر که هوای او را در سر داری از سوی دیگر، مراعات کن».

6- حسن سابقه

از معیارهای مهم علی (علیه السلام) در انتخاب کارگزاران توجه ایشان به سابقه فردی آنان بود و در این زمینه کمال دقت را مبذول می داشت. از این رو، مغیره بن شعبه در همان روز نخست خلافت، خدمت امام رسید و پرسید: با معاویه چه خواهی کرد؟ فرمود: او را برکنار می کنم، چون او را شایسته حکومت بر مسلمانان نمی دانم.

ابن عباس نیز به خاطر مصلحت خواهی در موفقیت حکومت امام، همین پیشنهاد را داد و گفت در شرایط موجود که هنوز پایه های حکومت شما استقرار نیافته، مماشات با معاویه عاقلانه تر از این است که او را علیه خود برانگیزی. امام ضمن رد این پیشنهاد، فرمود:

من اهل مداهنه در دین نیستم و حتی دو روز هم به معاویه اجازه نمی دهم که بر جان و مال و عرض مسلمانان مسلط بماند.

در عهدنامه مالک اشتر می فرماید:

بدترین وزیران تو، کسانی هستند که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته اند. مبادا چنین افرادی محرم راز تو باشند؛ چون آنان یاوران گناهکاران و یاری دهندگان ستمکارانند.

همچنین حضرت در نامه ای خطاب به منذر ابن جارود عبدی که بر بعضی از شهرهای فارس از جانب آن حضرت حکم رانی داشت و مرتکب خیانت و فساد مالی شد، به تأثیر سوابق خانوادگی بر رفتار سیاسی افراد اشاره می کند و می فرماید:

«نیکی پدرت مرا فریب داد و گمان کردم که تو هم از روش او پیروی می نمایی و به راه او حرکت می کنی. پس ناگاه به من خبر رسید که خیانت کرده از سیره پدر و خانواده ات عدول نموده ای.»

روشن است که نقش سوابق خانوادگی در رفتار سیاسی فرد از نظر امام علی (علیه السلام) مسلّم بوده و حضرت به این موضوع اذعان داشت، وگرنه اشاره به عدم شایستگی معاویه در تصدی خلافت مسلمانان به لحاظ سوابق بد خانوادگی و فامیلی و اشاره به حسن رفتار پدر منذر ابن جارود و تأثیر آن در انتخاب منذر به عنوان والی و حکمران یکی از شهرهای فارس از جانب آن حضرت، معنا ندارد.

7- وفای به عهد و پیمان

به نظر کارشناسان سیاسی، تقویت و پایداری حکومتها تا حدی بسته به پای بندی زمامداران به عهد و پیمان است؛ زیرا پای بندی زمامداران به وعده هایی که به مردم می دهند و احیانا برای تحقق آن سوگند یاد می کنند سبب نفوذ آنان در دلها، کسب اطمینان و استواری نظام می گردد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه به مالک دستور می دهد:

«از این که به مردم وعده دهی و به انجام کاری متعهد شوی و سپس تخلّف کنی، بپرهیز، چون خُلف وعده و پیمان شکنی موجب خشم خدا و خلق است».

در اندیشه سیاسی امام علی (علیه السلام) پای بندی به عهد و پیمان بهترین وسیله پیوند و الفت میان مردم و زمامداران و موجب استواری و استحکام دولتهاست. حضرت در این باره می فرماید:

«از واجبات الهی، هیچ کدام همانند وفای به عهد و پیمان در میان مردم جهان - با تمام اختلافاتی که دارند - مورد اتفاق نیست؛ حتی مشرکان زمان جاهلیت نیز، علاوه بر مسلمانان آن را مراعات می کردند؛ چون پیامدهای پیمان شکنی را آزموده بودند.»

8- محبت و دلسوزی به فقرا

علی (علیه السلام)، هم خود یار و مددکار فقرا و محرومان بود و هم افرادی را با این ویژگی پرورش داد. دستورات آن حضرت به مجریان و مدیران ارشد حکومت در آن روز، حاکی از اهتمام ایشان به فقرستیزی و تأمین اجتماعی است؛ چنان که خطاب به مالک می فرماید:

«ای مالک! درباره طبقه پایین از مردم جامعه، که چاره ای ندارند و در فقر و تنگ دستی زندگی می کنند، خدا را فراموش نکن. آنها عبارتند از: بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمین گیر شدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر در نظر بگیر.»

از این توصیه علی (علیه السلام) به مالک نسبت به فقرزدایی از جامعه بر می آید که حمایت از فقرا و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است و برای تحقق آن، باید تلاش کرد: زیرا فقر و کمبود اقتصادی عامل بروز بسیاری از مشکلات، از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است.

9- صداقت و امانت داری

رفتار و سیره حضرت علی (علیه السلام) از اهمیت امانت داری حکایت دارد؛ چنان که می فرماید:: «برترین ایمان امانت داری است» و «هر که امانت دار نیست، ایمان ندارد.»

بنابراین، در انتخاب کارگزاران، باید خصیصه امانت داری را در آنها احراز و حتی الامکان تقویت کرد. آنچه امروزه موجب بروز مشکلات گوناگون در جوامع اسلامی شده این است که رهبران و کارگزاران حکومتی افرادی صالح و امانت دار نیستند. بدین دلیل، باید برنامه ریزی کرد تا بر اساس اندیشه های سیاسی امام علی (علیه السلام) سیاستگذاران و مدیران شایسته انتخاب شوند، به گونه ای که تمام ویژگیهای یک زمامدار سیاسی مسلمان را دارا باشند. با وجود رهبران و کارگزاران تربیت یافته و با صلاحیت، بحرانهای موجود در کشورهای اسلامی که غالبا ناشی از بی لیاقتی و بی کفایتی زمامداران است، برطرف خواهد شد.

10- بی اعتنایی به دنیا

دنیاطلبی و دل بستن به آن یکی از آفتهای مهم فعالیتهای سیاسی است و به طور قطع، مانع تجلّی آثار حکومت اسلامی می گردد؛ چه آن بر اساس تفکر امام علی (علیه السلام)، دل بستن به دنیا منشأ همه خطاهاست.

بنابراین، برای جلوگیری از آفات زیان بار قدرت و سیاست، باید کارگزاران نظام اسلامی را به گونه ای برگزید که در اثر تربیتهای دینی با بی اعتنایی به دنیا انجام وظیفه نمایند؛ همان طور که سیره امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر دوری از زرق و برق دنیا و بی توجهی بدان استوار بود. او مکرّر همه مردم، به ویژه کارمندان نظام اسلامی را به زهد و دل نبستن به دنیا دستور می داد و می فرمود:

«از دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا در حقیقت، دام شیطان است».

11- تخصص و کاردانی

از دیگر ملاکهای انتخاب کارگزاران در حکومت اسلامی به نظر علی (علیه السلام) افزون بر ویژگیهای فردی و کمالات نفسانی، داشتن تخصص و مهارت لازم در انجام وظیفه مربوطه است. یعنی کارگزار بر اثر برخورداری از علم و دانش مورد نیاز در حوزه کاری خود، بتواند مأموریت محوله را به بهترین وجه به سرانجام برساند. امام علی (علیه السلام) در توصیه هایش به مالک می فرماید:

«ای مالک! از افراد با تجربه و با حیا از خانواده های پاک و شایسته و با سابقه در اسلام برای اداره کشور استفاده کنی.»

در این بیان به تجربه داشتن در کار تأکید شده است و این که کارگزار حکومت اسلامی باید کاردان و اهل فن و دارای دانش کافی باشد. در عمل هم علی (علیه السلام) به این ویژگی توجه می کرد و افراد با تجربه ای همچون مالک و ابن عباس و عثمان بن حنیف و امثال آنها را به ولایات مختلف به عنوان کارگزار منصوب می فرمود.

معیارهای عدم انتخاب کارگزاران

1- غرور و خودبینی

یکی از پیامدهای قدرت، غرور و خودخواهی است که معمولاً پس از احراز مقام فرمان روایی در برخی از سیاستمداران مشاهده می شود؛ چون بشر - نوعا - در اثر غفلت از حقیقت و ضعف ایمان به محض رسیدن به مقام و ریاست، دچار غرور و خودبینی می گردد. تکبّر و خودپسندی بزرگ ترین آفت رفتار سیاسی است و می تواند تمام آثار مثبت فردی و اجتماعی فرد را از بین ببرد. از این روست که حضرت علی (علیه السلام) همواره کارگزاران نظام اسلامی را به دوری از تکبّر و خودبینی توصیه می کرد. آن حضرت به مالک می فرماید:

«بپرهیز از خودپسندی و تکیه بر چیزی که تو را به خودخواهی وا دارد و بپرهیز از این که دوست بداری تو را مردم بستایند؛ زیرا حالت غرور و خودبینی مناسب ترین فرصت برای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را از بین ببرد.»

2- انحصارطلبی

منظور از انحصارطلبی آن است که زمامدار و کارگزار در حوزه قدرت و اختیاراتش همه چیز را به خود و وابستگان خود اختصاص دهد؛ بدین معنا که قدرت، سیاست، امکانات و دیگر امتیازات اجتماعی را به اقوام، گروه و جناح سیاسی خود اختصاص داده، دیگران را از آنها محروم سازد.

از فرمانهای امام علی (علیه السلام) به مدیران ارشد نظام، به خوبی بر می آید که انحصارطلبی و خودکامگی از دیدگاه آن حضرت بزرگ ترین آفت دولت است. علی (علیه السلام) انحصارطلبی را علت اصلی سقوط خلافت عثمان و قتل او معرفی نموده، می فرماید:

«من قضیه قتل عثمان و مسائل مربوط به آن را در یک بیان جامع برای شما می گویم: او خودکامگی و خودسری کرد، تا آن جا که این خصلت در او قوی شد و از حد تجاوز کرد تا این که خشم مردم دامنگیر او گردید.»

امروزه نیز زمامداران بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی گرفتار خودکامگی و انحصارطلبیهای گوناگون حزبی، نژادی، زبانی، مذهبی و امثال آن هستند که همین موجب نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی فراوان شده است. بسیاری از جنگها، تجاوزها و جنایتهای موجود در جهان معلول انحصارطلبی زمامداران است. از این رو، دست اندرکاران امور سیاسی - اجتماعی باید تلاش نمایند تا با تربیت و انتخاب درست کارگزاران حکومتی از بروز این آفت جلوگیری کنند.

3ـ هوا پرستی

در اندیشه سیاسی حضرت علی (علیه السلام) هواپرستی و پیروی از خواسته های نفسانی مانع اصلی تحقق عدالت است. از این رو، آن حضرت همیشه دوری گزیدن از هوای نفس را به فرمان روایان توصیه می کرد؛ چون هرگاه زمامدار بر اساس خواسته خود عمل کند و هر چه را میل دارد انجام دهد، این روش او را از عدالت و دادگری باز می دارد. علی (علیه السلام) در سخنی می فرماید:

«دین اسیر دست اشرار و بدکارانی است که آن را وسیله رسیدن به هوای نفس و دنیای خود قرار داده اند».

بنابراین، از منظر امام علی (علیه السلام) هواپرستی بزرگ ترین آفت حکومت است و اگر زمامداران گرفتار آن شوند، به حق و عدالت عمل نخواهد شد.

پی نوشتها:

1. المصباح المنیر، ج 1، ص 361؛ السیره الطریقه فی الشی ء و السنته (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 3، ص 61).

2. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهرا، چ 1، 1373، ص 12241.

3. خطبه 131.

4. خطبه 16.

5. نامه 53.

6. خطبه 216.

7. بحارالانوار، ج 67، ص 107.

8. نامه 53.

9. نامه 53.

10. نامه 53.

11. کاظم قاضی زاده، حکومت نامه علی (علیه السلام)، قم، دفتر نشر معارف، 1383، ج 1، ص 411.

12. همان، ص 414.

13. نامه 53.

14. نامه 71.

5 1. نامه 53.

6 1. نامه 53.

17. نامه 53.

8 1. همان.

19. همان.

20. بحارالانوار، ج 51، ص 258.

21. حکمت 156.

22. نامه 53.

23. نامه 53.

24. حکمت 30.

5 2. نامه 59.

6 2. نامه 53.